

دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره علم دینی

آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: با انجام کارهای صوری چون ساخت نمازخانه و مسجد در دانشگاه نمی‌توان علم دینی را احیاء کرد، اسلامی کردن در گروه تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و هماهنگ حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است.



همشهری آنلاین: آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: با انجام کارهای صوری چون ساخت نمازخانه و مسجد در دانشگاه نمی‌توان علم دینی را احیاء کرد، اسلامی کردن در گروه تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و هماهنگ حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است.

به گزارش فارس، یکی از کسانی که در دو دهه اخیر دغدغه فراوانی نسبت به علم دینی داشته است، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از فیلسوفان و اندیشمندان معاصر عالم است، این مفسر و فیلسوف معاصر در آثار خود به این مسأله توجه کرده به ویژه در دو کتاب «شریعت در آینه معرفت» و «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» با تفصیل بیشتری این مسأله را بیان کرده‌اند.

در اینجا بخشی از دیدگاه آیت‌الله جوادی درباره علم دینی را براساس کتاب «مبانی علوم انسانی اسلامی» اثر احمدحسین شریفی مرور می‌کنیم:

کلیدی‌ترین جمله آیت‌الله جوادی در بحث علم دینی که می‌توان آن را به عنوان مدعای ایشان در نظر گرفت و همه تلاش ایشان بر تبیین و اثبات آن متمرکز شده است، این است که «اگر تفسیر قول خدا، علم اسلامی را به دست می‌دهد، تفسیر فعل خدا نیز علمی اسلامی محسوب می‌شود».

نخستین نکته این است که علم به معنای «فن جامع مسائل هماهنگ» از جهات گوناگون قابل تقسیم است: حقیقی و اعتباری، عقلی و نقلی، انسانی و طبیعی، تجربی و تجربیدی، برهانی و عرفانی، نظری و عملی و امثال آن. بنابراین بخشی از علوم که برخاسته از متون مقدس‌اند مثل تفسیر، فقه، اخلاق، حقوق و امثال آن علوم دینی‌اند، هیچ شکی نیست؛ اما مسأله و اختلاف صاحب‌نظران در این است که آیا دانش‌های دیگری مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، شیمی، فیزیک، ریاضیات و امثال آن قابلیت تقسیم به دینی و غیر دینی را دارند یا نه.

نکته دوم اینکه یکی از دلایلی که از سوی برخی از مخالفان علم دینی مطرح شده این است که مدعی‌اند با اسلامی دانستن علوم، نادرستی‌ها و خطاهای آن‌ها به پای دین نوشته و تزلزل آن‌ها به تزلزل در معارف و آموزه‌های دینی کشیده می‌شود، اما باید دانست که آشکار شدن خطاهای معرفت‌های بشری حتی در علوم نقلی امری شایع، طبیعی و پذیرفته شده است، این همه اختلافاتی که در تفسیر قرآن یا فتاوی فقهای دیده می‌شود مگر خللی به «منبع دینی بودن و حجیت نقلی» آن‌ها وارد کرده است؟ اصولاً چنین اموری، خطاها و نادرستی‌های فهم بشری از متون دینی را آشکار می‌کند نه خطای صاحب شریعت و اصل دین را.

سوم اینکه برخی افراد معتقدند هر چند از حیث هدف آموزش یا پژوهش، می‌توان علوم انسانی و طبیعی را با صبغه دینی رنگ‌آمیزی کرد، اما به این دلیل که موضوعات و روش‌های چنین علمی قابلیت دینی شدن را ندارند، دینی بودن چنین دانش‌هایی را انکار کرده‌اند. به تعبیر دیگر مدعی‌اند چنین علمی ماهیتاً قابل اتصاف به صفت دینی نیستند.

نکته بعدی این است که روش شناخت، اعم از شناخت تجربی یا تجربیدی یا تلفیقی به این است که محقق «اولاً عقل و سایر مجاری ادراکی را خلقت خداوند بداند. ثانیاً رهنمود الهی را که در نهان عقل معارفی مدفون است و رهبران الهی آن دفائن و گنجینه‌ها را آشکار می‌کنند فیض خدا بشمارد، ثالثاً هر علمی که بهره عقل شده یا می‌شود فیض الهی تلقی کند و رابعاً سرمایه‌های اولی دانش نظری یعنی بود و نبود را که خداوند به عنوان علوم فطری به وی عطا کرده و دانش عملی فوز الهی بداند، چنین محقق تمام تحقیقات خود را موهبت الهی می‌داند نه دستاورد بشری و هیچ گاه دانش نفت شناسی، گاز شناسی و سایر دانش‌ها را بشری نمی‌شمرد، بنابراین صلا‌ی بلند این است که اصلاً علم غیردینی نداریم نه زمین‌شناسی و نه هیچ علم دیگری نه مطلق و رهاست و نه غیر دینی، بلکه فقط دینی است!

دلیل دیگر بر دینی بودن همه دانش‌های تجربیدی و تجربی حجیت شرعی آن‌ها است؛ یعنی افزون بر اینکه این علوم به دلیل واقع نمایی، حجیت منطقی دارند از نظر شرعی نیز حجیت شرعی دارند.

نکته دیگر برای اثبات دینی بودن همه علوم این است که علم محصول عقل است و عقل در معنای عام خود که شامل علم و محصولات آن نیز می‌شود، در کنار «نقل» از منابع دین است بنابراین همه محصولات عقل و نقل، علم دینی خواهند بود و از اساس چیزی به نام علم غیر دینی وجود نخواهد داشت.

مسئله بعدی این است که «علم سکولار» یا «علم بی طرف» مفهومی پارادوکسیکال است، به این دلیل که هر علمی مبتنی بر فلسفه علم خاص خود است و هر فلسفه علمی برخاسته از نگرش خاصی در هستی شناسی، یعنی برخاسته از نگاه فلسفی خاصی است، در نتیجه اساساً علم از دو حال خارج نیست یا الهی یا الحادی. بنابراین نسبت به جهان بینی هرگز نمی‌تواند بی‌طرف باشد.

علم الحادی نداریم اما عالم ملحد داریم

علم الحادی هم نداریم هر چند عالم ملحد داریم، زیرا نظام خلقت ساخته خدای متعال است، شناخت چنین مصنوعی هرگز نمی‌تواند الحادی باشد، بنابراین علم اگر علم باشد لاجرم دینی و الهی خواهد بود از آن جهت که علم کشف و قرائت طبیعت و جهان است و صدر و ساقه جهان فعل خداست، پرده از فعل خدا بر می‌دارد و چون علم، تفسیر و تبیین فعل خداست، الهی و دینی است. آنچه که می‌تواند و ممکن است الحادی باشد، عالم و محقق است.

علوم تجربی موجود همگی علمی معیوب‌اند به این دلیل که منقطع الاول و الاخرند، سیری افقی دارند و نه صعودی. مبدأ عالم و طبیعت و همچنین غایت و فرجام آن را نادیده می‌گیرند و عالمان آن نیز دانش خود را موهبت الهی نمی‌دانند. علوم موجود موضوعات خود را مثله می‌کنند.

اشکال دیگر علوم حسی و تجربی این است که پا از گلیم خود خارج کرده و علیرغم ناتوانی‌شان در پی ارائه جهان‌بینی برآمده است، به همین دلیل از نظام خلقت به طبیعت یاد می‌کند، این در حالی است که برای داشتن جهان‌بینی، معرفت‌جویی کفایت نمی‌کند. ضمناً با انجام کارهای صوری نمی‌توان علم دینی تولید کرد، ساختن نمازخانه و مسجد در دانشگاه و به طور کلی وارد کردن مظاهر و برنامه‌های اسلامی و دینی در فضای دانشگاه و چاپ کتاب‌های دانشگاهی با بسم‌الله و آرم جمهوری اسلامی نمی‌تواند علم دینی را احیا کند و دانش معیوب رایج را سلامتی بخشد، اسلامی کردن در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هماهنگ دین حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است.